



مرجع فکری ما نه مالک بن انس، نه شافعی، نه ابن حنبل و نه ابن تیمیه و نه محمد بن عبد الوهاب است، بلکه مرجع فکری ما «ابوحنیفه» است همچنین گفته اند که عقیده ما عقیده اشعری و ماتریدی است. نکته بعدی که اشاره میکنند این است که مشی آنها مشی تصوف (نقشبندی، چشتی، قادری و سهروردی) است. لذا گفتمان جریان طالبان نیز گفتمان اهل سنت غیر تکفیری است زیرا در هیچ یک از آثار ابوحنیفه (امام فقهی آنان) اعم از الفقه الاکبر، العالم و المتعلم و الوصیه، اهل قبله تکفیر نشده اند و وی و شاگردانش از جمله ابویوسف و شیبانی علناً تصریح کرده است که ما اهل قبله را کافر نمیدانیم. همچنین ابوالحسن اشعری (که آراء اعتقادی او نزد دیوبندیان محترم است) تمامی فرق اسلامی را در درون اسلام میدانند وی میگوید که: «مسلمانان بعد از پیامبرشان درباره‌ی مسائل زیادی اختلاف کردند [تا جایی که] بعضی از آنان، بعضی دیگر را گمراه دانستند و برخی از برخی دیگر برائت جستند [و همین اختلاف باعث شد] به فرقه‌های متباین و متشنت تبدیل شوند؛ اما [عنوان] اسلام تمامی آنان را جمع کرده و همه‌ی آنان را در برمی گیرد».

نتیجه اینکه منهج مشایخ اصلی طالبان ضد تکفیری است و از این رو مسلمان بودن مذاهب مخالف خود از جمله شیعه را قبول دارند همانگونه که شیخ بزرگ دیوبند یعنی شیخ رشید احمد گنگوهی در فتاوی رشیدیّه-ی خود تصریح دارد که شیعه را تکفیر نمیکند.

جنبش مقاومت اسلامی یا همان حركة المقاومة الإسلامية با نام اختصاری حماس، یک سازمان و تشکیلات سیاسی و نظامی اسلام‌گرای سنی مذهب است که بر نوار غزه در

**عقیده حماس
چیست؟**